



دریغاه تھی از تو ایران زمین

زهره زرشناس (استاد پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات انسانی)

گذر بعضی روزها چنان سنگین و سهمگین است که گذشتن این لحظه‌های خاکستری و تلخ گویی بهای جان می‌طلبد و تھی از شادی و طراوت، انگیزه و امید را می‌کشد و نابود می‌کند. سه‌شنبه ۷ مرداد ماه ۱۳۹۹، یکی از همان روزها، استاد بدرالزمان قریب (تولد اول شهریور ۱۳۰۸) را در نهایت بهت و ناباوری از دست دادیم.

اینک او رفته‌است و دیگر هیچ اشکی، هیچ آهی، هیچ دریغاه و مرثیه‌ای جای خالی استاد را در متن جامعه دانشگاهی پر نخواهد کرد. دانشی بانوی فرزانه‌ای که جایگاهی ویژه و بسیار تأثیرگذار در حوزه مطالعات ایران باستان داشته‌است و با هم‌متی بلند و دانشی نیک و فراینده به پژوهش درباره زبان سغدی، حوزه‌ای کم‌شناخته از فرهنگ کهن این مرز و بوم، پرداخته و مطالعات فرهنگ و زبان‌های باستانی و میانه ایران را والایی بیشتری بخشیده‌است.

زمانی که استاد در سال ۱۳۵۰ خورشیدی نخستین کرسی مستمر زبان سغدی را در ایران بنا نهادند، از زبان سغدی^۱ مفهومی گنگ و مبهم در ذهن همگان، حتی دانشگاهیان

۱. زبان سغدی یکی از زبان‌های گروه شرقی ایرانی میانه، زبان ناحیه حاصلخیز سغد، واقع در میان دو رود سیحون و جیحون بوده‌است. این زبان در طول ده قرن (سده‌های دوم تا دوازدهم میلادی) مهم‌ترین زبان ایرانی در آسیای مرکزی، زبان میانگان (lingua franca) جاده ابریشم و از دیرباز ابزار ارتباط و پیوند فرهنگ‌های سرزمین‌های شرقی و غربی آسیا بوده‌است. زبان سغدی بر اثر نفوذ و توسعه تدریجی زبان فارسی میانه (برخوردار از پشتیبانی دولت ساسانی) و نیز زبان ترکی (ارمغان هجوم قبایل ترک‌زبان به آسیای مرکزی) از رواج افتاد و سیر نابودی آن از سده یازدهم میلادی به بعد، هم‌زمان با رواج زبان فارسی (با فرمانروایی امرای فارسی‌زبان در خراسان و فرارود)، از یک سو، و نفوذ زبان عربی و ترکی، از دیگر سو، شتاب بیشتری یافت. هرچند امروز گویش دورافتاده یغناهی (رایج در دره

ایران بود و اکنون پس از گذشت حدود نیم قرن، این دانش چنان پا گرفته است که امروز متخصصان معتبر و متعددی در زبان و فرهنگ سغدی به پژوهش در این حوزه مشغول اند که اغلب از دانشجویان استاد بوده اند.

سالها باید که تا یک سنگ اصلی ز آفتاب
لعل گردد در بدخشان یا عقیق اندر یمن

(سنایی)

اینک به اختصار به جنبه‌هایی از تأثیرگذاری این بانوی دانشمند بر دانش زبان‌های باستانی و میانه ایرانی اشاره می‌شود:

۱- تألیف آثاری فراملی

آثاری که در پاسخ به نیازی جهانی پدید آمده اند، چونان تدوین فرهنگ سغدی؛ واژه‌نامه‌ای سه‌زبانه (سغدی - فارسی - انگلیسی) که در جهان‌شناسی تاریخی، اثری منحصر به فرد است. کتاب گنجینه عظیمی از واژه‌ها و ترکیبات زبان سغدی را در اختیار پژوهشگران این زبان و دیگر زبان‌های کهن ایرانی و رشته‌های وابسته قرار می‌دهد و می‌توان آن را به مثابه ابزار اصلی برای مطالعه بسیاری از زبان‌های ایرانی به کار برد.

فرهنگ سغدی با بهره‌گیری از جدیدترین روش‌های علمی فرهنگ‌نویسی و با نگرش به آخرین آرا و دستاوردهای ایران‌شناسان جهان تدوین شده است. افزون بر ایران‌شناسان، پژوهشگران و دانشجویان زبان‌های ایرانی در ایران و دیگر نقاط جهان، ادیبان و پژوهندگان زبان و ادبیات فارسی، به جهات گوناگون - به ویژه در امر واژه‌گزینی و واژه‌سازی، بازشناسی واژه‌های مهجور و شاذ، درک امکانات گوناگون خوانش واژه‌ها - نیز می‌توانند از آن بهره فراوان برند.

شایان ذکر است که زبان سغدی پیش از کشف گنجینه تورفان در ترکستان چین، در اوایل سده بیستم میلادی - مشتمل بر دست‌نوشته‌هایی به زبان‌های گوناگون ایرانی میانه - زبانی تقریباً ناشناخته بوده است. نخستین کسانی که پرده از راز زبان خاموش سغدی برگرفتند، پژوهشگران آلمانی بودند که در نخستین سال‌های سده بیستم با مطالعه متنی مکشوف از تورفان، این زبان تا آن روز ناشناخته را سغدی نامیدند. گرچه ابوریحان بیرونی

رودخانه یغناخ در جمهوری تاجیکستان) یگانه یادگار زنده از زبان سغدی است، لیکن تأثیر مستقیم زبان سغدی بر ادبیات فارسی، به ویژه در دوران متقدم آن، انکارناپذیر است.

در حدود هزار و اندی سال پیش با ذکر نام روزها و ماه‌ها و جشن‌های سغدی، تلویحاً به این زبان اشاره کرده بود، در آغاز سده بیستم است که زبان سغدی تولدی دوباره می‌یابد. طی بیش از یکصد سال گذشته، با کوشش هیئت‌های اکتشافی متعدد، آثار مکتوب این زبان، به صورت پراکنده، از نواحی نزدیک شهر سمرقند (موطن اصلی سغدی‌ان) تا یکی از برج‌های داخلی دیوار بزرگ چین و از مغولستان شمالی تا دره‌ علیای رود سند در شمال پاکستان کشف شد. با انتقال این اسناد و مدارک به موزه‌ها و کتابخانه‌های شهرهای برلین، پاریس، لندن و سن‌پترزبورگ (لنینگراد پیشین)، زبان‌شناسان و ایران‌شناسان اروپایی و امریکایی به مطالعه این دست‌نوشته‌های کهن پرداختند. بسیاری از این متن‌ها به زبان‌های گوناگون اروپایی ترجمه شدند. زبان‌شناسان ویژگی‌های صرفی و نحوی زبان سغدی را مشخص و حقایق بسیاری را درباره آن آشکار کردند. اما جای خالی واژه‌نامه‌ای جامع از زبان سغدی در میان آثار متعدد ایران‌شناسان جهان درباره زبان‌های ایرانی به‌واقع نمایان بود. شادروان بانو بدرالزمان قریب، مؤلف فرهنگ سغدی، پس از بیست سال تلاش خستگی‌ناپذیر در گردآوری و تدوین مطالب این کتاب، موفق شد که این امر مهم را به انجام رساند و واژه‌نامه‌ای جامع برای زبان سغدی همراه با معادل‌های فارسی و انگلیسی فراهم آورد و حاصل تمامی این پژوهش‌ها را یکجا و در یک جلد در اختیار پژوهشگران و علاقه‌مندان قرار دهد.

۲- جهت‌بخشی به پژوهش‌های علمی و هدایت آنها

استاد قریب، بانوی دانشمندی که شرح کامل و وصف جامع مراتب دانش و فضلش به تعبیر مولانا جلال‌الدین بلخی، دهانی به پهنای فلک^۲ می‌خواهد - در طول زندگی پربرکتش، عضو هیئت علمی دانشگاه سابق پهلوی شیراز و دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران بوده‌اند و هم‌زمان با دیگر نهادهای پژوهشی و علمی کشور همکاری داشته‌اند. برای نمونه، از سال ۱۳۷۷ عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی و از سال ۱۳۸۴ عضو شورای علمی مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی بوده‌اند.

۲. اشاره‌ای است به این بیت از مثنوی معنوی، دفتر پنجم:
یک دهان خواهیم به پهنای فلک

تا بگویم وصف آن رشک ملک

شادروان قریب افزون بر فراهم آوردن فرهنگ زبان سغدی — که از نظر علمی و پژوهشی از ارزشی جهانی و بین‌المللی برخوردار است و تمامی سغدی‌پژوهان عالم در آثار پژوهشی خود به آن رجوع می‌کنند — به تألیف ده‌ها مقاله پژوهشی و علمی پرداختند. این مقالات که به زبان‌های فارسی، انگلیسی و فرانسوی درباره زبان‌های گوناگون ایرانی، نظیر فارسی باستان، فارسی میانه مانوی، پهلوی اشکانی، سغدی و گویش‌های معاصر ایران است، بسیاری از مشکلات ریشه‌شناختی و دستوری این زبان‌ها را برطرف می‌نماید. علاوه بر فراهم آوردن این پژوهش‌های سترگ، استاد مدیریت گروه‌های گویش‌شناسی، زبان‌های ایرانی و نیز سرپرستی پروژه فرهنگ واژگان فارسی باستان را در فرهنگستان زبان و ادب فارسی (این نهاد برجسته علمی و پژوهشی ایران) بر عهده داشته‌اند. همچنین استاد در انجمن‌ها و مجامع متعدد و معتبر زبان‌شناسی و کنگره‌ها و سمینارهای مربوط به ایران‌شناسی و فرهنگ و زبان‌های باستانی ایران عضویت و مشارکت فعال داشته‌اند.

این دانشی‌بانوی فرهیخته، با بهره‌گیری از این تجربه‌ها و سوابق پژوهشی و برخورداری از شأن علمی جهانی، توانستند با مدیریت ثمربخش و هدایت مؤثر، تعدادی از طرح‌های پژوهشی سازمان‌ها و نهادهای علمی کشور را جهت ببخشند و به‌سوی مطالعاتی هم‌ارز پژوهش‌های بین‌المللی با نتایجی قابل ارائه در محافل و مجامع علمی جهانی هدایت کنند.

۳- تربیت دانشجو

بانو قریب، که به‌درستی می‌توان ایشان را «بدر سغدیانه» نامید، بانی نخستین کرسی مستمر زبان سغدی در ایران (دانشکده ادبیات دانشگاه تهران)، از سال ۱۳۵۰ بوده‌اند و افزون بر پرورش دانشجویان بسیاری که امروز خود استادانی کارآمد و مبرز به شمار می‌روند، هدایت و راهنمایی تعداد بسیاری پایان‌نامه کارشناسی ارشد و رساله دکتری را، درباره زبان سغدی بر عهده داشته و این زبان فراموش‌شده جاده ابریشم را به‌ویژه به جامعه فارسی‌زبان بازشناسانده‌اند.

عمرها باید که تا یک کودکی از روی طبع عالمی گردد نکو یا شاعری شیرین‌سخن

(سنایی)

مسئولیت‌پذیری فوق‌العاده و کم‌نظیر ایشان در برگزاری کلاس‌های درس، تدریس و راهنمایی دانشجویان (که از نزدیک شاهد مواردی بوده‌ام) همراه با خوش‌رفتاری، مهرورزی و نوعی احساس مادری نسبت به دانشجویان، از فضایل اخلاقی ممتاز استاده بوده‌است.

روحیه دانشجویگرای و روش معقول و متعادل استاد قریب که عاری از هرگونه آسان‌گیری بی‌مورد از یک سو و سخت‌گیری غیرمنطقی از دیگر سو بوده، موجب شده است که بیشتر دانشجویان ایشان، زبان دشوار سغدی را به مدد دوستداری و عشق به استاد، به آسانی بیاموزند و پژوهش در این حوزه را حتی پس از پایان تحصیلات ادامه دهند.

گفتنی‌ها درباره مراتب والای فضل و فضیلت استاد قریب، این «چهره ماندگار» ایران زمین (برگزیده در سال ۱۳۸۱) بسیار است. همچنین شرح آثار و تألیفات علمی گرانقدر استاد، که همواره مورد توجه محافل علمی داخل و خارج کشور بوده و جوایز بسیاری را نیز برای ایشان به ارمغان آورده است — برای نمونه، دو کتاب زبان‌های خاموش و فرهنگ زبان سغدی به ترتیب در سال‌های ۱۳۶۶ و ۱۳۷۵ برنده کتاب سال جمهوری اسلامی شده است — در این مختصر نمی‌گنجد و فرصتی دیگر می‌طلبد.

اما نمی‌توان درباره این ایران‌شناس برجسته، که عشق فوق‌العاده‌ای به ایران نیز داشت، مطلبی نوشت و به این جنبه متفاوت از شخصیت ممتاز ایشان اشاره نکرد. شادروان بانو قریب شاعری بسیار باذوق و با احساس و برخوردار از طبعی لطیف بود. تا جایی که می‌دانم، مجموعه‌ای از اشعار استاد به چاپ رسیده است. این اشعار جنبه‌های مختلفی از توصیف طبیعت تا طنز و فلسفه را دربر می‌گیرد و اشعاری چون «نوروز»، «کوه بیستون»، «قهرمانان شاهنامه» و «ماهی و ماهی‌گیر» از آن جمله‌اند. رباعی زیر نمونه‌ای از سروده‌های استاد است:

گل خنده‌زنان به دامن باغ شکفت
از بوسه خورشید سرش خم شد و خفت
در خنده دلنشین غمی تلخ نهفت
افسانه عمر گذران با من گفت

روانش شاد باد که نظیر خویش بنگذاشت و بگذشت.